

All the houses in this neighborhood look so much that I can't tell them apart.

- 1) neat 2) alike 3) clear 4) suitable

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. معنی جمله: تمام خانه‌های این منطقه آنقدر شبيه هم هستند که نمی‌توانم آنها را از یک‌دیگر تشخیص دهم.

- (۱) مرتب - منظم (۲) شبیه
(۳) واضح - روشن (۴) مناسب

I'll take the shopping home in the car to you carrying it.

1) bring

2) save

3) protect

4) need

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. معنی جمله: من خریدها را با ماشین به خانه می‌برم تا نیازی نباشد که تو آنها را حمل کنی.

(۲) بی‌نیاز کردن از - ذخیره کردن

(۴) نیاز داشتن

(۱) آوردن

(۳) محافظت کردن

My uncle me a surprise visit and later hosted me in his apartment for and after dinner party.

- 1) saved 2) brought 3) followed 4) paid

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. معنی جمله: عمویم سرزده به دیدن من آمد و بعد از آن در آپارتمان خود در یک مهمانی بعد از شام از من پذیرایی کرد.

- (۱) پس انداز کردن (۲) آوردن (۳) دنبال کردن (۴) پرداختن

Peter smelt the water It smelt So he didn't drink it.

- 1) careful - badly 2) carefully - bad 3) careful - well 4) carefully - good

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. معنی جمله: پیتر آب را با دقت بو کرد. آب بوی بدی می داد. بنابراین او آن را ننوشید.
نکته: بعد از smell (بوئیدن - بو کردن) در جمله اول از قید حالت و بعد از smell (بو دادن) در جمله دوم صفت به کار می رود.

In the cupboard, there are some tea cups used for special occasions.

1) small beautiful Italian

2) beautiful small Italian

3) small Italian beautiful

4) Italian beautiful small

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. معنی جمله: در قفسه چندتا فنجان چای خوری ایتالیایی کوچک زیبا برای موقعیت‌های خاص وجود دارد.

نکته: کاربرد ترتیب صفات: نوع یا جنس + ملیت + رنگ + شکل + سن و سال + اندازه + کیفیت + شمارش

A: "I don't know how to use this mobile set."

B: "It's quite easy. I you."

1) am going to show

2) will show

3) would show

4) could show

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

نکته: کاربرد **Will** برای زمان آینده ساده که بیانگر عملی است که به‌طور ناگهانی تصمیم گرفته شده و از قبل برنامه‌ریزی نشده است.

معنی جمله: الف: من نمی‌دانم چه‌طور از این موبایل استفاده کنم. / ب: خیلی آسان است. من نشان خواهم داد.

When the first of rain began to fall, Jack started to run.

1) facts

2) organs

3) drops

4) calls

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه: وقتی اولین قطره‌های باران شروع به باریدن کرد، جک شروع به دویدن کرد.

They collected information about the richest in the world.

1) heavens

2) nations

3) metals

4) cells

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه: آنها اطلاعاتی در مورد ثروتمندترین کشورهای جهان جمع‌آوری کردند.

He planned to work until he had enough money to attend English class.

1) lost

2) left

3) increased

4) saved

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه: او تصمیم داشت تا وقتی پول کافی برای رفتن به کلاس زبان پس انداز کند، کار

کند.

In the past, humans were destroying the jungles, but they are taking care of nature.

1) for example

2) in this way

3) especially

4) nowadays

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه: در گذشته، انسان‌ها داشتند جنگل را نابود م‌کردند، اما امروزه آنها مراقب طبیعت

هستند.

My friend has a table in his living room.

1) lovely brown old wooden

2) brown old lovely wooden

3) old brown wooden lovely

4) lovely old brown wooden

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه: دوستم در اتاق نشیمن یک میز چوبی قهوه‌ای قدیمی زیبا دارد.

نکته: ترتیب صفات: نوع یا جنس + ملیت + رنگ + شکل + سن و سال + اندازه + کیفیت + شمارش

Why are you always worried? Is your life really

1) to bore

2) bore

3) boring

4) boringly

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه: چرا شما همیشه نگران هستید؟ آیا واقعاً زندگی شما کسل کننده است؟

نکته: کاربرد صفت بعد از افعال to be.

Look at those black clouds. It rain.

1) would

2) could

3) is going to

4) will

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه: به آن ابرهای تیره نگاه کن. قراره باران بیارد.

نکته: کاربرد **to be going to** برای زمان آینده ساده و نشان دادن کارهای برنامه‌ریزی شده و پیش‌بینی شده.

As to my broken relationship with Mary, one of the most-asked questions is why we left behind all those lovely moments for nothing.

1) generously

2) fortunately

3) frequently

4) patiently

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

ترجمه: درباره رابطه تمام شده من با ماری، یکی از پرتکرارترین سوالات پرسیده شده این است که چرا ما تمام آن لحظات عاشقانه را برای هیچ و پوچ پشت سر جا گذاشتیم.

(۴) صبورانه

(۳) مکرراً

(۲) خوشبختانه

(۱) سخاوتمندانه

Take my advice, please. If you want to sleep well, coffee and tea in the evening.

1) fill out

2) keep off

3) pass away

4) grow up

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

ترجمه: لطفاً به توصیه‌ام گوش بده. اگر می‌خواهی خوب بخوابی، عصر از (نوشیدن) چای و قهوه پرهیز کن.

(۱) پر کردن

(۲) دوری کردن، اجتناب کردن

(۳) فوت کردن

(۴) بزرگ شدن

Try, at least, to show yourself calm and cool. You're, in fact, your worries to your children.

1) participating

2) supposing

3) identifying

4) communicating

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

ترجمه: حداقل تلاش کنید خودتان را آرام و خونسرد نشان دهید. در واقع، شما دارید نگرانی‌هایتان را به فرزندانتان منتقل می‌کنید.

(۴) منتقل کردن

(۳) شناسایی کردن

(۲) فرض کردن

(۱) شرکت کردن

She has no of the problems I'm facing at the workplace. She just wants her wishes to come true by spending the money I earn.

- 1) understanding 2) handwriting 3) broadcasting 4) remembering

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

ترجمه: او هیچ درکی از مشکلاتی که در محل کار با آن مواجه هستم، ندارد. با خرج کردن پولی که من به دست می آورم، او فقط می خواهد رویاهایش محقق شود.

(۴) یادآوری

(۳) پنخش

(۲) دستخط

(۱) درک

I feel that I really need at least tea or chocolate milk just now!

1) two cup of / a jar of

2) two cups of / a bottle of

3) a piece of / a glass of

4) a loaf / a box of

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

ترجمه: احساس می‌کنم همین الان واقعاً نیاز به حداقل دو فنجان چای یا یک بطری شیرکاکائو دارم.

(۲) دو فنجان / یک بطری

(۱) دو لیوان / یک پارچ (شیشه)

(۴) یک قُرص / یک بسته (جعبه)

(۳) یک تکه / یک لیوان

توضیح: واحد شمارش مناسب برای چای، **cup of** و برای شیرکاکائو، **bottle of** است. یادتان باشد وقتی عددی

بالاتر از یک قبل از اسمی به کار می‌برید، حتماً اسم بعدی را جمع ببندید. بنابراین **two cup** نمی‌تواند درست باشد

.(two cups)

He knows French, so we were able to find a nice room in Paris.

- 1) little 2) a few 3) a lot 4) a little

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

ترجمه: او کمی فرانسوی می‌داند، بنابراین توانستیم یک اتاق خوب در پاریس پیدا کنیم.

توضیح: زبان‌ها اسم‌های غیرقابل شمارش محسوب می‌شوند و نمی‌توانند با کلماتی مثل **many** و **a few** ، **few** به کار روند. (رد گزینه ۲)

a lot قید است و نمی‌تواند قبل از اسم به کار رود. (رد گزینه ۳)

چون مفهوم جمله مثبت است، پس نمی‌توان از **little** که مفهوم کم و ناکافی دارد، استفاده کنیم. (رد گزینه ۱)

You are going to have to think about your future. You can't work in fast food restaurants all your life.

1) mentally

2) hardly

3) seriously

4) briefly

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تو مجبور خواهی شد تا به طور جدی درباره‌ی آینده‌ات فکر کنی. تو نمی‌توانی تمام زندگی‌ات را در رستوران‌های فست‌فود کار کنی.

(۲) خیلی کم ، تقریباً هیچ

(۱) از لحاظ ذهنی ، از نظر روانی

(۴) برای چند لحظه ، به‌طور خلاصه

(۳) به‌طور جدی ، به‌شدت

This dictionary is not made for any language level; it can be used by anyone studying English, from the beginner to the advanced learner.

1) general

2) public

3) specific

4) creative

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. این دیکشنری برای هیچ سطح زبان به خصوصی ساخته نشده است ، آن می تواند توسط هر کسی [که] انگلیسی یاد می گیرد به کار رود، از آموزنده مبتدی تا پیشرفته.

(۴) خلاق، سازنده

(۳) ویژه ، به خصوص

(۲) عمومی، همگانی

(۱) عمومی ، کلی

To filter unwanted substances out of the blood, your kidneys thousands of tiny tubes adding up to about 40 miles in length.

1) contain

2) perform

3) conduct

4) produce

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. برای فیلتر کردن مواد ناخواسته از خون، کلیه‌های شما حاوی هزاران لوله‌ی ریز هستند که بالغ بر حدود ۴۰ مایل درازا دارند.

(۲) انجام دادن ، اجرا کردن ، به‌جا آوردن

(۱) حاوی ... بودن، دربر داشتن

(۴) تولید کردن ، ایجاد کردن

(۳) اداره کردن ، اجرا کردن

An expert recently noted that the world has gradually moved toward cleaner - from wood to coal, from coal to oil, and from oil to nature gas.

1) objects

2) fuels

3) results

4) sources

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. یک متخصص به تازگی عنوان کرد که جهان به تدریج به سمت سوخت‌های پاک‌تر حرکت کرده است - از چوب به زغال، از زغال به نفت، و از نفت به گاز طبیعی.

(۴) منبع، منشأ

(۳) نتیجه، پیامد

(۲) سوخت

(۱) شیء، جسم، قصد

When the film started and the face of the frightening man on the screen, she put her hands over her eyes, unable to watch the screen.

1) involved

2) occurred

3) appeared

4) developed

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. وقتی فیلم شروع شد و چهره‌ی آن مرد ترسناک روی صفحه [ی نمایش] ظاهر شد، او دستانش را روی چشم‌هایش گذاشت [و] نمی‌توانست صفحه [ی نمایش] را تماشا کند.

(۲) رخ دادن، اتفاق افتادن

(۱) درگیر کردن ، شاملی ... بودن

(۴) گسترش دادن ، گسترش یافتن

(۳) ظاهر شدن، نمایان شدن

The philosopher Voltaire once said, "I disapprove of what you say, but I will to the death your right to say it."

1) attempt

2) regard

3) prevent

4) defend

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فیلسوف [مشهور] وولتر زمانی گفت: «من مخالف آن چه می گویی هستم، ولی تا حد مرگ از حق تو برای گفتنش دفاع می کنم».

(۲) در نظر گرفتن ، لحاظ کردن

(۱) تلاش کردن، کوشیدن

(۴) دفاع کردن از ، حمایت کردن از

(۳) جلوگیری کردن (از) ، مانع ... شدن